

برکناری استاندار  
اصفهان هم ضروری بود

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

در روزهای اخیر برکناری شهرام دبیری، معاون پارلمانی رئیس جمهور با تازان گسترده‌ای پیدا کرد و بحث‌های فراوانی برانگیخت. قدمد اینجا البته پرداختن بدان ماجرا نیست اما در حد اشاره می‌شود گفت، دبیری مرتکب خلاف قانونی نشده بود و ترک فعلی نداشت. البته اگر تکذیب دروغ دفتر او را به پای خودش ننویسیم، باین همه رئیس جمهور قصور یا حتی بی احتیاطی او را نیز نپذیرفت و برکنارش کرد. از قضا این روش رئیس جمهور در برکناری دوست‌دربین، الگویی می‌تواند باشد برای همه دولتمردان که درباره دوستان خود سختگیری بیشتری داشته باشند و از مامشات بامدیران منصوب بپرهیزند. این البته رویه‌ای است که نمی‌توان انتظار چندانی برای تحقق اش داشت زیرا متاسفانه اغلب مدیران دولتی نه شهامت استعفا دارند، نه جرأت پذیرش خطا را، راه عزل هم در پیچ‌وخم توجیه‌های همیشگی حساس بودن شرایط نبود جایگزین مناسب و کلی چیز دیگر در عمل پیموده نمی‌شود. اینها را گفتیم که برسیم به تیر همین مطلب، در همان روزهای جنجال سفر دبیری به قطب جنوب، خبر خرابکاری عمدی گروهی از افراد در اصفهان در خط لوله آب کوه‌رنگ به یزد منتشر شد. تصاویری که از آن پخش شد، گویای ضرر عمده‌ای بود که به کشور وارد شد و نتایجی چون قطعی آب شرب یزد، سرگردانی مسافران و... راهم در پی داشت. جز اینها ضرر مالی این رفتار غیرقانونی چیزی در حد ده‌ها میلیارد تومان برآورد شده است. تاسف‌بار اینکه این نخستین بار هم نیست که چنین فعل مجرمانه‌ای در این استان رخ می‌دهد. باین همه من ندیدم در میان همه اخبار و تحلیل‌ها درباره چرایی و چگونگی بروز این رفتار غیرقانونی، این سخن هم مکرر بیان شود که با متعرضان به خط لوله و برهم‌زدنندگان امنیت، برخورد قضایی صورت می‌گیرد. رئیس دادگستری یزد البته گفته که دستگاه قضا پیگیر این موضوع است اما خب شما این سخن را بگذارید در کنار حرف‌های نامانیده یزد که گفته: «در یک دهه گذشته بیش از ۵۰۰ دفعه تخرک شده و خطوط لوله انتقال آب استان یزد در منطقه شرق استان، اصفهان و سایر تاسیسات عمدتاً به‌صورت دسته‌جمعی و به‌وسیله ماشین‌آلات سنگین مورد تخریب قرار گرفته است.» بسیار خوب، بپرستی اگر همان دهه اول به چنین رفتارهایی رسیدگی قضایی می‌شد، امروز این وضعیت بر منطقه حاکم بود یا نه؟ فراموش نکنیم که یکی از نکاتی که همواره در اعتراض‌های سال اخیر در کشور موجب صدور احکام قضایی شده، تبدیل شدن اعتراض به اغتشاش و برهم‌خوردن امنیت روانی جامعه بوده و مگر این کار، چیزی در این مورد کم دارد؟ آب شرب مورد مصرف مردم هموطن را راهی خاک و هوا کردن، مسدود چیست؟ جز این، من این یک قلم را دیگر اصلاً جایی ندیدم که کسی بگوید استاندار اصفهان به‌عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی و امنیتی این استان بهتر است به‌واسطه سوء‌مدیریت خود در این زمینه برکنار شود. شاید بگویید این دیگر زیاده‌روی است ولی طبق مصوبه شورای عالی اداری در سال ۱۳۷۷، «استاندار مسئول برقراری و حفظ نظم و امنیت استان است و «فراهم آوردن موجبات اجرای طرح‌ها و سیاست‌های عام امنیتی و انتظامی، مصوبات مراجع قانونی، دستورالعمل‌ها و ابلاغیه‌های امنیتی» و «پیشگیری و مقابله با مشکلات مرزی و نظارت و مراقبت از مرزهای آبی و خاکی استان» از وظایف اوست. وقتی رفتاری آشکارا غیرقانونی در استانی اتفاق می‌افتد و بعد انگار نه انگار، مبنای باید از این فضای احساسی که همه چیز را پای کشاورزان عصبانی و زمین‌های تشنه می‌گذارد، گذشت و از مسئولان ذی‌ربط خواست که اگر نمی‌توانند وظایف خود را به‌درستی ایفا کنند، استعفا بدهند. شاید بهانه بیاورند که نفر بعدی نیز بهتر از ما نخواهد بود. به‌نظر هیچ ایرادی ندارد. شما تشریف ببرید منزل و از خانه به تماشای فواره‌های آب بعدی بنشینید. در عوض اجازه بدهید ترتیبات قانونی کشور نیز منعقد شود.

با این وضعیت غیرمسئولانه‌ای که در پیش گرفته شده و هر روز به‌شکلی، روزی در پیامک‌های جناب و روزی در لغو کنسرت‌های قانونی در این استان، قوانین کشور به سخره گرفته می‌شود، انتظار بهبودی در اوضاع نمی‌توانست داشت، بنابراین برکناری یا استعفا استاندار اصفهان خواسته‌چندان عجیبی نباید تلقی شود. باور کنید در برخی کشورهای، با اندک قصوری، مدیران برکنار می‌شوند. مسئولان ایرانی اما اغلب در یک حالت واژگون به‌سری می‌زنند؛ طلبکارند و موعظه می‌کنند. با این وضعیت، فاتحه دولت را باید خواند و شاید ناچار باشیم به عصر تامل و زان بدن برگردیم و تازه از سر نو بگویم بهترین خواسته‌ما، تاسیس دولتی است که قوانین اش در سراسر کشور واجب‌الاطاعه باشد.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

## چهره

## حکیم موسیقی

«او از برگزیدگان خداوند است. از شهر جانان و از تبار راستینان این سرزمین، بی‌هیچ اغراقی...» این را پرویز مشکاتیان در مورد داریوش صفوت گفته است. داریوش صفوت که سودابه فضائلی او را «حکیم موسیقی» می‌نامد و جلال ذوالفنون از او به‌عنوان «شخصیتی مرکب از دانش، هنر و اخلاق» یاد می‌کند، ۷ آذرماه ۱۳۰۷ در شیراز به دنیا آمد. صفوت هنر موسیقی را نزد استاد ابوالحسن صبا آموخت و ارتباطش را با او به مدت ۱۰ سال، یعنی تا پایان عمر استاد صبا، ادامه داد. از جمله اقدامات شایان ذکر این استاد پیشکسوت موسیقی در طول عمر ۸۵ ساله‌اش، تشکیل مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران بود. مرکزی که او در آن به تربیت شاگردان فراوان پرداخت. صفوت را همچنین به‌عنوان مدرس یگانه می‌شناسند که تدریس در زمینه‌های نوازندگی سنتور و سه‌تار، ردیف موسیقی ایرانی، آکوستیک موسیقی، تاریخ موسیقی ایران، شناخت موسیقی، آشنایی با موسیقی شرقی، فلسفه موسیقی ایرانی، تجزیه و تحلیل موسیقی ایرانی، موسیقی و اسلام، بررسی رسالات کهن موسیقی ایران و... را هیچ‌گاه رها نکرد. داریوش صفوت ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۲ درگذشت و در قبرستان بی‌بی سکینه کرج به خاک سپرده شد.



## مرجعیت از دست رفته

## ماشاالله شمس‌الواعظین بر اهمیت مطرح شدن لزوم بازگشت مرجعیت رسانه به داخل کشور از زبان وزیر ارشاد تاکید کرد

جغرافیا شدن مرجعیت رسانه، سرمایه‌گذاری می‌کنند و آرام‌آرام آن را در دست می‌گیرند. در چنین شرایطی، بی‌نهایت متاسفم که بر خطایی که قریب به دو دهه است مرتکب شده‌ایم، همچنان پامی فشاریم.»

## شرط و شروط بازگشت مرجعیت رسانه

این پرسش که آیا می‌توان بار دیگر مرجعیت رسانه را به‌ماد وطن بازگرداند؟ پرسشی همراه با بیم و امید است. پرسشی که پاسخ شمس‌الواعظین به آن مثبت است، البته چنان که می‌گوید، با رعایت شرط‌ها و شروطهایی. از نظر او، شرط اول کوتاه کردن دست دولت از روند اطلاع‌رسانی و پروسه تولید محتوا است. به عقیده شمس‌الواعظین، این مسئولیت باید به قسمت‌های حرفه‌ای بخش خصوصی واگذار شود. بخشی که دست‌کم در موضوع معیشت از احساس درمندی بیشتری با جامعه برخوردار است و می‌تواند با مدیریت اوضاع، تولید محتوا را آرام‌آرام به امری بومی تبدیل و اعتماد جامعه را به خود جلب کند. در کنار کوتاه کردن دست دولت از روند اطلاع‌رسانی و پروسه تولید محتوا، باید تورسانسور را برچید. این دومین شرطی است که شمس‌الواعظین برای بازگشت مرجعیت رسانه به داخل کشور برمی‌شمارد و ادامه می‌دهد: «سوال ساده من این است که تا به حال کدام خبر در کشور پنهان مانده است که ما رسانه‌های داخلی خود را از طرح اخبار بازمی‌داریم؟ اخبار، از محرمانه‌ترین و سری‌ترین‌شان تا آشکارترین‌شان، پنهان نمی‌مانند. در حالی که خبر وقتی به صورت شایعه مطرح می‌شود جنبه‌های نادرست آن پررنگ و پررنگ‌تر خواهد شد و دهان به‌دهان خواهد چرخید. این گونه است که شایعه به قوی‌ترین رسانه داخلی مایه‌تبدیل شده است. در حالی که اقدام صحیح، مهندسی اخبار و تقویض این اجازه به رسانه‌ها برای برقراری نظم و خروج از بلبشوی عجیبی است که بر افکار عمومی حاکم شده است.»

به‌عقیده او نکته سوم تعیین ضوابط و خطوط قرمز سیستم سیاسی کشور به شکلی مشخص است. به‌گونه‌ای که طبق مقرراتی ملموس معلوم شود، کدام‌یک از اخبار به کلی سری، کدام سری، کدام محرمانه و... است. شمس‌الواعظین در این مورد می‌گوید: «ما می‌دانیم که همه رسانه‌های جهان باید از خطوط قرمز و ویژه خود تبعیت کنند. این خطوط قرمز اما مشخص و معلوم است. در واقع صاحبان رسانه اگر چه خود را در برابر میدانی از مین می‌بینند اما نقشه آن را نیز در اختیار دارند و می‌دانند کجا مین گذاری شده است و نباید به آن ورود کرد. در حالی که این وضعیت در کشور ما برعکس است. نقشه این میدان مین، در کشور ما نه در اختیار اهالی رسانه که فقط فقط در اختیار مین‌گذاران است. در نتیجه هر آن امکان رفتن روی مین و به‌تبع بگریزیدن و بساط متعاقب آن وجود دارد. «تحقق مواردی که بر شمرده شد اما مستلزم ایجاد تحولی بنیادین در رسانه‌هاست. تحولی که شمس‌الواعظین در موردش چنین می‌گوید: «به‌عقیده من، مدیریت رسانه‌ها باید از حالت خودمانی و فامیل‌بازی خارج شود. ضمن این که باید اجازه داد بدنه کارشناسی آرام‌آرام ابتکار عمل را به‌دست بگیرد. در این صورت است که پس از مدتی می‌توان مرجعیت رسانه را به داخل کشور بازگرداند. در نتیجه چنین اقدامی رسانه‌های تولیدکننده پیام‌های کاذب رخت بر خواهند بست و سرمایه‌گذارهای شان بی‌په‌په تلقی خواهد شد.»

## اعلام آمادگی برای همراهی

شمس‌الواعظین ضمن برشمردن موارد بالا می‌گوید: «من اعلام می‌کنم که در صورت شکل‌گیری همتی برای عملیاتی کردن راه‌حل‌های پیشنهادی، از آمادگی کامل برای صحبت با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مقاماتی که علاقه‌مند به برداشتن گامی نتیجه‌بخش در این زمینه هستند، برخوردارم. چرا که معتقدم ما از آمادگی و توانمندی کامل برای این کار برخورداریم و می‌توانیم به تحقق آن امیدوار باشیم.» او با برشمردن این اقدام به‌عنوان وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای خود در برابر کشور می‌گوید، می‌خواهد بخش آخر حیات حرفه‌ای خود را به اثبات این موضوع اختصاص دهد که بازگرداندن مرجعیت رسانه به داخل کشور بومی‌سازی آن، صرفاً یک ادعای نیست و می‌توان عملیاتی‌اش کرد.



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

صحبت از خروج مرجعیت رسانه از کشور و واگذاری اش به رسانه‌های آن‌سوی مرزها، نه حرف امروز و دیروز که به‌گفته ماشاالله شمس‌الواعظین، استاد پیشکسوت علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری دست‌کم مربوط به دو دهه اخیر است. نکته قابل توجه در این میان اما پذیرش این موضوع از سوی سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تلاش او برای چاره‌جویی جهت خروج از این وضعیت است. عالی‌ترین مقام فرهنگی کشور، روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین‌ماه در آیین اختتامیه دهمین جشنواره رسانه‌های ابودر به طرح سوالاتی پرداخت که سال‌هاست از زبان اهالی رسانه شنیده می‌شود. او با بیان اینکه «بر اساس پیمایش‌های مختلف، در چند دهه اخیر، مرجعیت رسانه‌های رسمی کشور رو به افول بوده است.» در تلاش برای کندوکاو ریشه این اتفاق به طرح پرسش‌هایی اساسی پرداخت. از جمله پرسش‌های او این بود که آیا ما اجازه داده‌ایم رسانه‌های داخلی، رویکر اول خدایا باشند؟ آیا امکان مطالبه‌گری، نقد و پیگیری واقعی برای رسانه‌ها فراهم است؟ آیا به رسانه منتقد داخلی اجازه بروز داده‌ایم یا روایت‌ها از بیرون به داخل منتقل می‌شوند؟ به عقیده صالحی، بازگرداندن مرجعیت رسانه به داخل نیزمند اقدامات چندجانبه است؛ اقداماتی که اساتید علوم ارتباطات روزنامه‌نگاری، از جمله ماشاالله شمس‌الواعظین، طبق آن چه به هم‌میهن می‌گوید، مشفقانه آماده‌بسترسازی برای عملیاتی شدن آن هستند.

## طرح موضوع از زبان وزیر به‌منابته تحول

رسانه‌های داخلی در زمینه واگذاری مرجعیت در آخر خاندان و هر اقدامی به‌منزله آخرین اقدام پیش از وقوع حادثه نهایی است. در چنین شرایطی سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را می‌توان سرآغازی برای شکل‌گیری تحولی دانست که سخت‌نیازمند آیم. شمس‌الواعظین گفت‌وگو در مورد آن چه را سیدعباس صالحی در اختتامیه دهمین جشنواره رسانه‌ها ابودر مطرح کرده است، این گونه آغاز می‌کند.



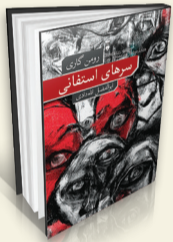
ماشالله شمس‌الواعظین، با تاکید بر اینکه «بحث از دست رفتن مرجعیت رسانه و انتقال آن به خارج از کشور، بحثی صرفاً فرط‌بوم‌پر امروز و دیروز نیست»، تاریخچه طرح این بحث توسط اهالی رسانه را، مربوط به دست‌کم دو دهه پیش می‌داند. او در تشریح وضعیت کنونی می‌گوید: «اکنون ما کار به مغز استخوان رسیده است. همچنین ابتکار عمل، مدیریت و مهندسی افکار عمومی از طریق رسانه‌های مرجع، از مام وطن خارج شده و به آن سوی مرزها رفته است. در چنین شرایطی آقایان به جست‌وجوی پاسخ این پرسش برآمده‌اند که چرا مرجعیت رسانه از کشور خارج شده است؟ مرثیه‌خوانی آن‌ها و اینکه خواهان بازگشت مرجعیت رسانه به داخل کشور شده‌اند نیز حاصل همین وضعیت است. البته همین که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان بالاترین مقام فرهنگی کشور به چنین مبحث مهمی ورود کرده، جای شکرش باقی است. من ورود او به چنین مبحثی را تحولی مهم قلمداد می‌کنم. چرا که پیش از این هیچ‌گاه شاهد چنین اتفاقی نبوده‌ایم. ضمن اینکه به هشدادهای آن دسته از افراد، از جمله من، که شبانه‌روز فریاد می‌زدیم و از خروج مرجعیت رسانه از کشور می‌گفتیم وقتی گذاشته نمی‌شد.»

شمس‌الواعظین با بیان اینکه وقتی مجاری گردش اطلاعات را می‌بندید و بر سر راه تولید فرآورده‌های فرهنگی انسداد ایجاد می‌کنید علی‌القاعده، مردم و فعالین این حوزه به‌تندی بیکار نمی‌نشینند که ابتکار عمل را به دست می‌گیرند، افزود: «در هر محیطی وقتی تقاضا برای دریافت پیام افزایش پیدا می‌کند و بر عرضه پیشی می‌گیرد، دیگرانند که با توسل به این جاذبه به تولید محتوا می‌پردازند. این دیگران را اگر به کشورهای دشمن که دست‌کم می‌توان کشورهای قریب‌نامید. در چنین معادله‌ای آن‌ها با طری‌های بلندمدت بر فائد

## کتابخانه

## عشق، مرگ و تأثیرات جنگ

رمان «سره‌های استغنی» نوشته رومن گاری، با ترجمه ابوالفضل اللهدادی در ۳۴۷ صفحه و با قیمت ۴۰۰ هزار تومان منتشر شد. داستان این رمان حول محور مردی به‌نام استغنی می‌چرخد که پس از جنگ جهانی دوم به جست‌وجوی زنی به‌نام استغنی می‌رود. او در این مسیر، با زنان متعددی روبه‌رو می‌شود که هرکدام داستان منحصر‌به‌فرد خود را روایت می‌کنند. در حالی که جست‌وجوی استغنی ادامه دارد، مسائلی چون هویت، عشق، مرگ و تأثیرات جنگ، به‌طور عمیق در میان داستان‌ها و شخصیت‌ها نمود پیدا می‌کند. گاری در این رمان از سبک روایی سیال ذهن استفاده کرده و مرز واقعیت و خیال را در هم شکسته است. زن‌های این رمان، شخصیت‌هایی قوی و مستقل‌اند و هرکدام داستانی منحصر‌به‌فرد برای گفتن دارند. این اثر به‌ویژه به بررسی هویت و تأثیر تجربیات و خاطرات گذشته بر شکل‌گیری آن می‌پردازد و مفاهیم فلسفی و وجودی را در بطن داستان گنجانده است. «سره‌های استغنی» رمانی است که نه‌تنها داستانی جذاب و پیچیده را ارائه می‌دهد که خواننده را به تفکر درباره معنای زندگی و روابط انسانی دعوت می‌کند.



سره‌های استغنی  
نویسنده: رومن گاری  
مترجم: ابوالفضل اللهدادی  
انتشارات: نشر نو

## تاریخ

## کناره‌گیری نجیب‌الله از ریاست جمهوری



محمدنجیب‌الله، رئیس‌جمهوری اسبق افغانستان، ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۷۱ از ریاست جمهوری این کشور استعفا داد. او که از قوم پشتون بود و در طبابت مدرک دکتری داشت، در جوانی به عضویت حزب کمونیست

افغانستان درآمد، به مسکو رفت، سپس در سال ۱۳۵۸ همراه قوای شوروی به کابل بازگشت و به‌عنوان رئیس دستگاه اطلاعات دولت جدید کمونیستی تعیین شد. نجیب‌الله با حمایت روس‌ها پس از کناره‌گیری ببرک کارمل، در سال ۱۳۶۵ به دبیرکلی حزب کمونیست افغانستان و در سال بعد به ریاست جمهوری افغانستان رسید. بعد از این موفقیت‌های سیاسی، او کوشید استقلال خود از شوروی را نشان بدهد. مدتی بعد نیز با فروپاشی نظام شوروی، نیروهای این کشور از افغانستان خارج شدند. با این همه حکومت او دچار بحران داخلی و معارضه با نیروهای متنوع اسلامگرا شد. نجیب‌الله در برابر این جنگ داخلی به راه‌حل سازمان ملل تن داد و تشکیل شورای مرکب از نمایندگان طرفین درگیر در افغانستان را که از طرف سازمان ملل تعیین شده بودند، پذیرفت. بدین ترتیب پس از پنج سال ریاست جمهوری از قدرت کناره‌گیری کرد و در مقر نمایندگی سازمان ملل در کابل پناهنده شد.